

## مقاومت یعنی زندگی



۲

حضور آیت الله خامنه ای در جبهه ها در روزهای آغازین دفاع مقدس

### اطلاع نگاشت

مروری بر سرفصل های اصلی اقدامات حضرت آیت الله خامنه ای در ده روز آغازین دفاع مقدس

## ده روز اول

امام راحل، گزارش های دقیقی را به محضر بنیان گذار کبیر انقلاب ارائه می نمودند. این دوره با مجروحیت حاصل از ترور و انتخاب به عنوان رئیس جمهور پایان می پذیرد. نشریه ی خط حزب الله به مناسبت هفته ی دفاع مقدس برخی رویدادهای ده روز آغاز جنگ و نقش آفرینی رهبر انقلاب در این ایام را مرور کرده است.

حضور حضرت آیت الله خامنه ای در جبهه ها در دوران دفاع مقدس را می توان به دو برهه ی هشت ماه آغازین جنگ و روزهای پایانی جنگ، ایام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تقسیم کرد. در هشت ماه ابتدای جنگ ایشان به عنوان نماینده ی امام و سخنگوی شورای عالی دفاع در جبهه ها حضور یافته و علاوه بر اجرایی نمودن منویات

### خاطرات رهبری | ۴

نهایت اخلاص و وفای شهریار

### دولت جوان انقلابی | ۴

علاج مشکلات کشور  
دولت جوان حزب اللهی است

### حزب الله این است | ۴

هر چه می توانید  
در این خط حزب الله جلو بروید

### شهید هفته

## خلبان هایی که آماده شهادتند | این شماره تقدیم می شود به روح مطهر شهید سرلشکر خلبان منصور وطن پور

دشمن طمع بسته بود که شاید مارتش ندا داشته باشیم یا داشته باشیم و متعلق به این انقلاب نباشد. امیدوار بود که ارتش همچنان دنبال تصورات و تفکرات ضد اسلامی یا غیر اسلامی و ناسیونالیستی خشک باشد. اما دید که ارتش ما مسلمان است... آن سرهنگ فداکاری، سرهنگ وطن پور شهید که پریروز در سانحه ی هوایی در هنگام مبارزه ی با دشمن هلیکوپترش سقوط کرد و شهید شد، یک فردی از همین ارتش است که فداکارانه خودش می رود. خلبان ها در آن جا بسیارند که آماده اند بروند. این افسر ورزیده ی کارگشته که خود فرمانده یگان هوانیروز در اهواز است داوطلبانه خودش می رود، می خواهد برود و می رود و می خواهد شهید بشود و شهید هم می شود. اینها مال ارتش است. ۵۹/۷/۱۰



## مقاومت یعنی زندگی

سخن هفته



این روزها جریان تعریف تلاش می‌کند تا برخی مفاهیم کلیدی انقلاب اسلامی از جمله مقاومت را از معنای صحیح خود منحرف و حتی به عکس خود تبدیل کند. ملت ایران اما در فرهنگ دفاع مقدس نتیجه مقاومت و ایستادگی را در متن زندگی خود به شیرینی تجربه کرده است.

## مقاومت و امنیت

«یک روزی بود که این کشور - همین تهران که شما حالا بحمدالله با خیال راحت و با امنیت [در آن] رفت و آمد می‌کنید - زیر موشک‌های صدام بود؛ خیلی از شماها شاید آن وقت در دنیا نبودید. ما هیچ وسیله‌ی دفاع نداشتیم، [در حالی که] همه به صدام کمک می‌کردند؛ آمریکا برای همین موشک‌ها و برای ابزارهای دفاعی و حتی برای نقشه‌ی میدان جنگ به صدام کمک می‌کرد؛ ماهواره‌هایش و دیگران کمک می‌کردند... ما دست خالی بودیم، وسیله‌ی نداشتیم؛ [لذا] به فکر افتادیم که باید خب وسیله‌ی دفاعی درست کنیم. شروع کردیم؛ از صفر در واقع شروع کردیم. من اگر بگویم به شما و تصویر کنم - که حالا متأسفانه وقت نیست - که اولین چیزی که ما توانستیم پرتاب کنیم که بردش هم حدود بیست کیلومتر بود چه بود، ممکن است خنده‌تان بگیرد! [وسیله‌ی] مثل یک ناودان درست کرده بودند که ما مثلاً فرض کنید بتوانیم موشک آرپی جی را با یک شکلی از روی این ناودان پرتاب کنیم، که مثلاً حدود پانزده کیلومتر یا بیست کیلومتر هم برود؛ این جوری شروع شد. بعد توانستیم توانایی‌ها را بیشتر کنیم. وقتی توانایی‌هایمان زیاد شد و دشمن دید که ما می‌توانیم مقابله به مثل کنیم، [موشک باران تهران] متوقف شد؛ این تجربه‌ی ما است.» (۹۶/۷/۲۶)

## دفاع مقدس، مبدأ حرکت به سمت قله‌ها

«همه‌ی جنگ، داخل جبهه‌ها نیست. بسیاری از مسائل جنگ، داخل خانه‌هاست، در راه‌هاست؛ داخل دل‌هاست؛ در مجموعه‌های تصمیم‌گیری است؛ در مجامع بین‌المللی است.» (۷۹/۷/۶)

زندگی ملت‌ها، در بحرانی‌ترین شرایط همیشه در جریان است و هنر ملت ایران هم همین است که نه تنها شرایط زندگی را در طول تاریخ با چالش‌ها و فراز و نشیب‌ها تطبیق داده بلکه از دل همان حوادث مبدأ حرکت‌ها و زندگی‌ها را ساخته است. مصداق بی‌بدیل این قاعده که «الگوی برای مقاومت ملت‌های دیگر هم بوده» دوران هشت‌ساله‌ی دفاع مقدس و پیروزی ملت ایران در یک جنگ نابرابر است. جنگی که حرکت ملت ایران به سمت قله‌ها در حوزه‌های مختلف از آن شروع شد و بسیاری از کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها با استفاده از فرهنگ برخاسته از همان دوران جبران می‌شود. جاری شدن زندگی در رگ شهرهای بزرگ کشور در شرایطی که بمباران، وضعیت شهرها را در حاله‌ای از ترس و ناامیدی فروبرده بود، یک نمونه از هزاران درگنجینه‌ی دفاع مقدس است.

## مقاومت و سازندگی

«در دوران جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کار افتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهدید شدن ماندن نیروهای ما از وسایل لازم. مثل وسایل حمل و نقل و این چیزها بود. یک عده افراد صنعتگر، ماهر، مجرب، راه افتادند از تهران و شهرستان‌ها که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، اینها را می‌دیدم؛ اخیراً هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند؛ آن روز جوان بودند، حالا سنی از آنها گذشته، اما همان انگیزه و همان شور در آنها هست. رفتند داخل میدان‌های جنگ، در صفوف مقدم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت و ساز کردند، ساخت و سازهای صنعتی؛ این پل‌های عجیب و غریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو، جاده، امثال اینها،

به وسیله‌ی همین نیروهای مجرب و ماهر به وجود آمد؛ امروز هم هستند. ۹۳/۱/۱ قبل از انقلاب جزو حرف‌هایی که ما همیشه می‌زدیم، این بود که ما کنگم را از آمریکا می‌خریم و سیلوی ما را هم شوروی‌ها می‌سازند. بنده اوایل انقلاب به منطقه‌ی جنوب رفتم و دیدم بچه‌های جهاد سازندگی و مهندسان شما یک سیلوی با ظرفیت کم ساخته‌اند. به نظر همان جابه سجده افتادم؛ چون سیلو، سازی دشواری است؛ خیلی آسان نیست. وقتی انسان به ظاهر آن نگاه می‌کند، چیز ساده‌ی به نظر می‌آید؛ اما سازی پیچیده‌ی است. ما این چیز پیچیده را توانستیم درست کنیم. امروز ما یکی از سیلو سازهای معتبر بین‌المللی با ظرفیت‌های بالا هستیم؛ برای خیلی جاهای دیگر هم ساخته‌ایم. بنابراین قهر و ناآمدن و کج‌تابی دنیای غرب با ما، به ضرر ماتماتم نشد. ۸۳/۱۲/۲ زمان جنگ هم من یادم است که عده‌ای از همین مسیحیان ارمنی آمدند اهواز؛ من در فرودگاه دیدم یک جماعتی نشسته‌اند، گفتم اینها چه کسانی هستند؟ گفتند اینها ارمنه‌اند، دارند می‌آیند جبهه برای کارهای صنعتی - ارمنه در کارهای صنعتی و وقتی و ماشین و این چیزها مسلطند - و برای کمک و خدمت. آمدند؛ مرحوم چمران اینها را به کار گرفت. مبالغی اینها زحمت کشیدند، خدمت کردند، کار کردند و کسانی هم شهید شدند. ۹۳/۱۱/۶

## مقاومت و اقتصاد

«آن مجموعه‌ای که برای ایجاد اشتغال در کشور کار می‌کند، باید مثل اتاق جنگ دوران دفاع مقدس که شب و روز نمی‌شناخت، کار کند. در دوران جنگ و دفاع مقدس برای آن مجموعه‌هایی که مشغول طراحی جنگ بودند، شب و روز، تعطیل و غیر تعطیل، اول هفته و آخر هفته معنا نداشت؛ مرتب مشغول کار بودند. امروز باید برای ایجاد اشتغال به همان نحو تلاش شود. جوان ما باید بتواند از نیرویش، برای اداره زندگی خود و پیشرفت کشور به معنای حقیقی استفاده کند؛ کشور هم این ظرفیت را دارد.» (۸۱/۷/۹)

«[در زمینه اقتصاد] با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است. تحرک جهادی و مديريت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد.» (۹۰/۱۲/۲۰)

## مقاومت یعنی زندگی

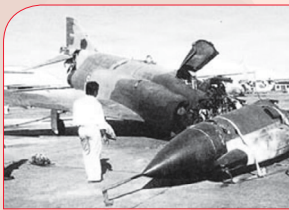
«جنگ حقیقتاً آینه‌ی تمام‌نمای ظرفیت‌های ملت ایران بود... دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهری خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد... این ملت اگر این توانایی‌ها را در خودش ببیند و وجود این ظرفیت‌ها را در خودش احساس کند، در ادامه‌ی این راه و در حرکت عظیمی که در پیش دارد، هیچ مانعی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد.» (۸۴/۶/۳۱)

به قول سید حسن نصرالله، رهبر مقاومت لبنان: «فرهنگ مقاومت، فرهنگ زندگی است نه فرهنگ مرگ. مقاومت یعنی ساختن زندگی برای یک ملت با شهادت کم‌ترین تعداد ممکن از افراد. اگر مقاومت نباشد همه گرفتار مرگ می‌شوند. اصل این تفکیک میان فرهنگ شهادت و فرهنگ زندگی پذیرفتنی نیست. فرهنگ شهادت و مقاومت همان فرهنگ زندگی است.» (۹۸/۴/۲۳)

«ما ایستاده‌ایم؛ ایستادن امیدوارانه؛ نه ایستادن نومیدانه. بعضی‌ها ایستاده‌اند و می‌گویند ما تا آخرین قطره‌ی خونمان را هم خواهیم داد. البته ما اگر پیش بیفتد، تا آخرین قطره‌ی خون را می‌دهیم؛ اما می‌دانیم به آخرین قطره‌ی خون نمی‌رسد. ما پیش برده‌ایم و توانسته‌ایم در جهت‌هایی که انقلاب برای ما ترسیم کرده، به شکل محسوس پیشروی کنیم.» (۸۴/۷/۲۴)

## قرائت پیام رادیویی به مناسبت آغاز جنگ

برای اطلاع عموم مردم از اینکه بین ایران و عراق جنگی آغاز شده، آیت‌الله خامنه‌ای پیامی را به عنوان سخنگوی شورای عالی دفاع از رادیوی سراسری خواندند: «ملت مسلمان و انقلابی ایران! برادران و خواهران!... ما تاکنون نخواستیم بودیم حمله را آغاز کنیم، اما ارتش جمهوری اسلامی تجاوز این بعضی‌های دست‌نشانده را تحمل نمی‌کند و درس تلخی به صدام خواهد داد. مردم عزیز ما باید خون‌سردی و متانت خود را حفظ کنند. هرگونه شایعه را که احیاناً ضد انقلاب منتشر می‌کند نفی کنند؛ به یادگان‌های نظامی نزدیک نشوند و در انتظار لحظه‌ی انجام مسؤولیت همگانی که از سوی رهبر عظیم‌الشأن محول خواهد شد باشند.» (۵۹/۶/۳۱)



## گزارش عملیات در مجلس شورای اسلامی

۱۴۰ فرزند جنگنده نیروی هوایی ارتش طی یک عملیات هماهنگ به نام «کمان ۹۹» به پرواز درآمدند و مراکز مهمی در عراق را بمباران کرده و تقریباً همگی سالم به آشیانه بازگشتند. آیت‌الله خامنه‌ای که نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و ریاست کمیسیون دفاع را نیز عهده دار بودند در روز اول مهرماه گزارشی کوتاه از فعالیت‌های ۲۴ ساعت گذشته را در صحن مجلس ارائه دادند. «با این که نیروی هوایی نیروی پشتیبانی است، اما در برهه‌ی مهمی از زمان در آغاز جنگ، محور دفاع مقدس شد. بنده آن وقت نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی بودم؛ به مجلس رفتم و از تعداد سورتی‌های پرواز نیروی هوایی در جنگ گزارش دادم؛ نمایندگان مبهوت ماندند! یک بار دیگر نیروی هوایی [پس از حماسه‌ی ۱۹ بهمن] دیگران را متعجب کرد؛ آن زمان که دستگاه‌های - به گمان بعضیها - از کار افتاده و معطل مانده و روبرو شدن را احیاء کرد هم همین‌طور.» (۸۲/۱۱/۱۹)





مروری بر سرفصل‌های اصلی اقدامات  
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ده روز  
آغازین دفاع مقدس

# ده روز اول

نشریه‌ی خط حزب‌الله به مناسبت هفته‌ی  
دفاع مقدس برخی رویدادهای ده روز آغاز جنگ  
و نقش آفرینی رهبر انقلاب در این ایام را مرور  
کرده است.

۳۱ شهریور تا ۵ مهر | آغاز دفاع، عدم حمایت از جبهه‌ها

## حضور شبانه‌روزی در مرکز فرماندهی جنگ

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در روز ابتدای جنگ تحمیلی به عنوان نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع در ستاد مشترک ارتش حضور داشتند؛ ایشان بعدها حال و هوای آن روزها را چنین روایت کرده‌اند: «دیدیم که هر چه خبر می‌آید یأس آور است، هیچ کار هم از دست من این جا بر نمی‌آید، زمان بنی‌صدر بود من البته نماینده‌ی امام و سخنگوی شورای عالی دفاع بودم. اما خب هیچ کاری در دستمان نبود، می‌رفتیم توی مرکز فرماندهی توی ستاد مشترک آن جامی نشستیم یک صبح تا ظهر، یک ظهر تا شب، ظهر آن جامی ماندیم، گاهی شب‌ها من در ستاد مشترک می‌ماندم خانه نمی‌آمدم همه‌اش دوندگی، همه‌اش تلاش، اما قیچی دست دیگری است که ببرد، کلید دست دیگری است که باز کند یا ببندد... مرتب از دزفول، از اهواز... تماس می‌گرفتند... ما این جا توی ستاد مشترک مرکز فرماندهی مطرح می‌کردیم، بابی اعتنائی بالبخندتمسخر آمیز بعضی‌ها مواجعه می‌شدیم.» (۶۷/۹/۱۰)

## ما به سوی میدان جنگ پرواز می‌کنیم

اولین خطبه‌ی نماز جمعه پس از شروع جنگ پر از حماسه و شور و اشتیاق به شهادت است: «شنیدم دستگاه تبلیغاتی مزدور عراق پیغام داده است که چرا آنها که می‌گویند، خودشان به میدان نمی‌آیند و شنیدم اسم مرا آورده است. ما میدان آمدن مانند میدان آمدن خائن و کافری چون صدام نیست؛ ما به سوی میدان جنگ پرواز می‌کنیم. آن روزی که امام اشاره کند و اجازه دهد من اول کسی خواهم بود که به میدان خواهم رفت. ما میدان جنگ را سال‌هاست آزموده‌ایم... ما به میدان خواهیم رفت و اگر من شخصی، از میدان برنگردد و در آن جا شهید بشود یقیناً جمع به میدان رفته‌ها از میدان بر نمی‌گردد مگر آن وقت که پیروز شده باشد. خدا راه شکست را به روی ما بسته است... شما مگر در راه در مقابل ما بیشتر می‌بینید؟... یکی راه شهادت که افتخارش همیشگی و ثابت و لایزال است و دیگری راه پیروزی، پیروزی ظاهری. و هر دو برای ما پیروزی است.» (۵۹/۷/۴)

## حضور در جبهه‌ی اهواز پس از کسب اجازه از امام

شنبه‌ی پس از برگزاری نماز جمعه آیت‌الله خامنه‌ای برای عمل به وعده‌ای که داده‌اند عازم جبهه‌های جنوب کشور می‌شوند:

«من از امام اجازه گرفتم که به جنوب بروم و مردم را برای مقابله بسیج کنم... امام هم به جای اجازه، به من تکلیف کردند، یعنی گفتند برو... در همان جلسه مرحوم شهید چمران هم آمده بود و او ظاهرًا برای اجازه گرفتن به این معنی نیامده بود. اما وقتی من اجازه گرفتم او رو به امام کرد و گفت پس اجازه بدهید من هم بروم. امام فرمودند که مانعی ندارد... ما از فرودگاه مهرآباد به اتفاق مرحوم چمران و عده‌ای از دوستان و همراهان ایشان و چند نفری با بنده به طرف اهواز حرکت کردیم. من اهواز نرفتم که برگردم و واقعاً فکر می‌کردم که دیگر به تهران برنخواهم گشت.» (۶۰/۷/۲۰)

## همه شدیم عضو ستاد جنگ‌های نامنظم

استقرار شهید چمران و آیت‌الله خامنه‌ای در اهواز منجر به تشکیل «ستاد جنگ‌های نامنظم» می‌شود که نقش مهمی در سال‌های ابتدایی جنگ ایفا می‌کند. «(مرحوم چمران) در قضایای قبل از انقلاب، در فلسطین و مصر تمرین دیده بود. به خلاف ما که هیچ سابقه نداشتیم، ایشان سابقه‌ی نظامی حسابی داشت و از لحاظ جسمانی هم، از من قوی‌تر و کارکشته‌تر و زبده‌تر بود. لذا، وقتی صحبت شد که «کی فرمانده این عملیات باشد؟» بی‌تردید، همه نظر دادیم که مرحوم چمران، فرماندهی این تشکیلات شود. ما هم جزو ابواب جمع آن تشکیلات شدیم.» (۷۲/۶/۱۱)

## گزارش ده روز اول جنگ به مردم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از یک هفته حضور در جبهه‌های جنوب، برای اقامه‌ی نماز جمعه به تهران باز می‌گردند و در خطبه‌ها گزارشی از وضعیت جبهه‌ها ارائه می‌دهند، رویه‌ای که تا پیش از سوء قصد و مجروحیت ایشان در ششم تیر ۱۳۶۰ یعنی تا حدود هشت ماه بعد ادامه می‌یابد: «من از نزدیک چیزهایی دیده‌ام که باید به شما بگویم تا آیت‌خدا را ببینید و بدانید... آنچه امروز با شما در میان می‌گذارم، اول گزارشی است کوتاه از صحنه‌ی درگیری عظیم حق و باطل... تاریخ این فداکاران ما را با همه‌ی دل خواهد ستود. من مناظری را دیده‌ام که ذکر یک یک آنها وقت را می‌گیرد، اما مجموعه‌ای از ایمان، از عشق، از همکاری و برادری، از آمادگی برای شهادت و جانبازی، از شهادت و مردانگی، هم نسبت به برادران و هم مرآت و مردانگی نسبت به دشمنان.» (۵۹/۷/۱۱) آنچه در این خطبه‌ها بیان می‌شد در آن شرایط بسیار تعیین‌کننده بود، هم از جهت روحیه دادن به مردم و تقویت پشت جبهه، هم روحیه دادن به رزمندگان، هم تضعیف روحیه‌ی دشمن و هم بیان مواضع و سیاست‌های نظام برای دنیا.

## شکار تانک و پشتیبانی از خرمشهر و آبادان

بچه‌های شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم جمع می‌شدند... شب‌ها با خود مرحوم شهید چمران به قول خودشان به شکار تانک می‌رفتند و بنده را هم گاهی با خودشان می‌بردند. (۸۴/۶/۳۱) تانک‌های دشمن تا «دبِ حردان» آمده بودند و حدود هفده، هیجده یا پانزده، شانزده کیلومتر تا اهواز فاصله داشتند و خمپاره‌هایشان تا اهواز می‌آمد. خمپاره‌ی ۱۲۰ هم تا اهواز می‌آمد... در آن جا، به طور کلی، دونوع کار وجود داشت... یک نوع کار، کارهای خود اهواز بود. از جمله عملیات و کارهای چریکی و تنظیم گروه‌های کوچک برای کار در صحنه‌ی عملیات... نوع دوم کار، کارهای مربوط به بیرون اهواز بود. از جمله، پشتیبانی خرمشهر و آبادان و بعد، عملیات شکست حصر آبادان بود که از «محمدپه» نزدیک «دارخوین» شروع شد. همین آقای «رحیم صفوی»... جزو اولین کسانی بود که عملیات شکستن حصر را از چندین ماه قبل شروع کرده بودند که بعد به عملیات «ثامن الائمه» منجر شد. (۷۲/۶/۱۱)

۴ مهر ۱۳۵۹ | خطبه‌های نماز جمعه تهران

۵ مهر ۱۳۵۹ | تلاش برای ایجاد بسیج مردمی برای مقابله با دشمن

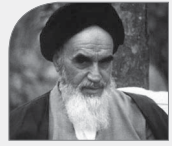
۶ مهر ۱۳۵۹ | تشکیل ستاد جنگ‌های نامنظم

۱ مهر ۱۳۵۹ | خطبه‌های نماز جمعه تهران

۷ مهر ۱۳۵۹ | جلوگیری از سقوط اهواز

## حضرت سجاده‌بیزید راه توبه را یاد داد

حضرت سجاده (ع) از قراری که منقول است به یزید یاد داد که از چه راه توبه کن. حضرت می‌گویند: حضرت



زینب فرمود، آخر به این؟! امام سجاده پاسخ فرمودند این موفق نمی‌شود به توبه. کسی که امام را بکشد موفق به توبه نمی‌شود. اگر موفق می‌شد به توبه‌ی صحیح، قبول می‌کرد خدا لکن نمی‌شود. یعنی قلب جوری می‌شود، قلب انسان طوری می‌شود که دیگر برای انسان امکان ندارد آن قلب را از آن طبعی که برایش واقع شده است، از آن ظلمتی که برایش واقع شده است، بتواند نجات بدهد. دعا کنید که انسان اینطور نشود. خداوند در قلب انسان مهر نگذارد؛ یک مهری که دیگر نتواند خودش هم هیچ کاری بکند. ۵۷/۱۲/۱۴

## دولت جوان انقلابی

علاج مشکلات کشور  
دولت جوان حزب‌اللهی است

بایستی به نظرات جوان‌ها و مطالبی که جوان‌ها فراهم می‌کنند، توجه بشود و گفتمان سازی بشود در جامعه. وقتی گفتمان سازی شد، جلب اقبال عمومی به مجموعه‌های جوان و پیشرو حاصل خواهد شد؛ یعنی اقبال عمومی به وجود می‌آید، آن وقت اثر خودش را در انتخاب مدیریت‌ها و امثال این‌ها به جا می‌گذارد. من به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقدم و به آن امیدوارم و البته دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت سرپا و بانشاط و آماده‌ای که در سببش باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کار افتاده نباشد؛ منظور این است. ۹۹/۲/۲۸

## خانواده ایرانی

زینب کبری قبل از حادثه کربلا هم  
یک شخصیت ممتاز است

زینب کبری (س)، نقش همسر، نقش مادر و نقش یک زن برجسته و ممتاز در خاندان پیغمبر را، در مدینه به بهترین وجه ایفا کرده است. شخصیت آن بزرگوار در مدینه - قبل از حادثه کربلا - یک شخصیت برجسته و معروف و ممتاز بوده است... اگر فرض می‌کردیم که حادثه کربلا اصلاً نبود - که ما آنچه درباره‌ی زینب کبری (س) می‌گوییم و می‌شنویم مربوط به ماجرای کربلاست - باز زینب کبری (س)، یک شخصیت برجسته، یک انسان بزرگ و یک زن قابل تبعیت و پیروی محسوب می‌شد. ۷۴/۷/۲۰

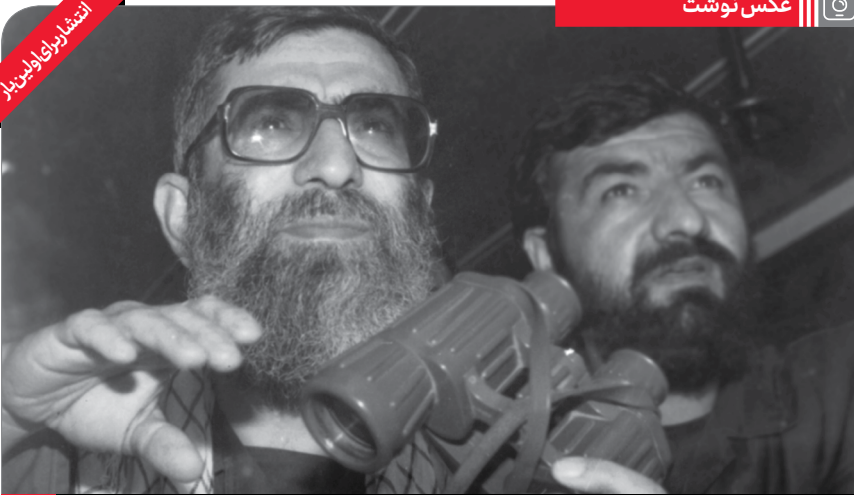
## هر چه می‌توانید در این خط حزب‌الله جلو بروید

استفاده می‌کند، از تجربه هشت سال دوران دفاع مقدس بیشترین استفاده‌ها را می‌کند - و هم ارزش‌های انسانی و الهی را که اسلام به او آموخته است، گرامی می‌دارد و آن را مایه‌ی پیشرفت خود به حساب می‌آورد و به آن تکیه می‌کند و با آن سرفراز است. ۷۶/۷/۵

حزب خدا مفلح و رستگار است. حزب خدا غالب و پیروز است. هر چه می‌توانید، در این خط حزب‌اللهی جلو بروید. حزب‌الله، یعنی کسی که هم از امکانات خداداد بهترین استفاده را می‌کند - از دانش استفاده می‌کند، از خرد و اندیشه استفاده می‌کند، از نیروهای انسانی استفاده می‌کند، از ابتکار و تجربه

## عکس نوشت

انتشار برای اولین بار



حضور آیت‌الله خامنه‌ای در مناطق عملیاتی در دوران دفاع مقدس

## این جوانمردی و مروت، مایه سربلندی ایران و ایرانی است

ملت ایران در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضریب متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردود. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد. (بیانیه‌ی گام دوم ۹۷/۱۱/۲۲)

## خطرات رهبری

به مناسبت روز درگذشت و بزرگداشت شهریار:

## نهایت اخلاص و وفای شهریار

در همه‌ی مواقع حساس انقلاب، او نقش مؤثری ایفا کرد. یک جنگ هشت ساله بر ما تحمیل شد که یکی از سخت‌ترین تجربه‌های ما بعد از انقلاب بود. تعداد شعرهایی که شهریار برای جنگ گفته، حضوری که او در مراکز مربوط به جنگ، مثل کنگره‌های مربوط به جنگ و شعر جنگ پیدا کرده و مدحی که او از بسیج عمومی مردم یا از سپاه یا ارتش کرده، به قدری زیاد است که اگر انسان نمی‌دید و نمی‌شنید و خودش لمس نمی‌کرد، به دشواری می‌توانست آن را باور کند. مردی در حدود هشتاد سال سن - بلکه بیش از هشتاد سال - در مجامع شعری حضور پیدا کند و برای هر مراسمی، شعر یا شعرهایی بگوید! این در حالی بود که از مثل او، چنین توفعی هم نبود. این، نشان دهنده‌ی نهایت اخلاص و صفای بزرگواری آن مرد بود. ۷۷/۹/۱۱

## شرح حدیث

همه باید برای  
چنین اجتماعی جهاد کنند

آن راوی‌ای که حوادث روز عاشورا را نقل کرده می‌گوید: ((فوالله ما رأیت مکتوراً)). مکتور، یعنی کسی که امواج غم و اندوه بر سرش بریزد؛ بچه‌اش بمیرد، دوستانش نابود شوند، ثروتش از بین برود و همه‌ی امواج بلا به طرفش بپایند. ((أربط جأشاً)). (۱) در میدان‌های گوناگون... انسان به آدم‌های گوناگونی برخورد می‌کند؛ کسانی که دچار غم‌های گوناگونند. راوی می‌گوید هرگز ندیدم کسی در چنین هنگامه‌ای با این همه مصیبت، مثل حسین بن علی، چهره‌ای شاد، مصمم، حاکی از عزم و اراده و متوکل به خدا داشته باشد. این همان عزت الهی است. این جریان را امام حسین در تاریخ گذاشت و بشر فهمید که باید برای چنان حکومت و جامعه‌ای مبارزه کند؛ جامعه‌ای که در آن پستی و جهالت و اسارت انسان و تبعیض نباشد. همه باید برای چنان اجتماعی جهاد کنند که به وجود بیاید و می‌آید و ممکن است. ۱۷۹/۷/۲۶ (۱) الإرشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۱۱.